

# نهمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

## همایش مطالعات پژوهشی حقوق ورزشی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - کمیته حقوق ورزشی استان اصفهان - دانشگاه آزاد اسلامی - دهقان - فرمانداری دهقان  
دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)  
تاریخ برگزاری همایش: ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۴ شماره نمایه: ۲۰۱۲ رده بندی کنکره: ج ۳۳۲۲۴

## دوپینگ در ورزش

### فرآیند دادرسی و تضمین های دادرسی عادلانه

#### فرشید خوشبخت

مؤلف کتب حقوقی

عضو مرکز وکلای قوه قضائیه

#### چکیده

دوپینگ در ورزش از یک تخلف صرفاً فنی فراتر رفته و به مسئله ای حقوقی با پیامدهای سنگین برای حیثیت حرفه ای ورزشکار، سلامت عمومی، اعتماد اجتماعی به رقابت ها و مشروعیت نهادهای انتظامی ورزشی تبدیل شده است. از این رو کیفیت رسیدگی به پرونده های دوپینگ، به اندازه خود سیاست های مقابله با دوپینگ اهمیت دارد. نظام جهانی مبارزه با دوپینگ با اتکا بر قواعد هماهنگ ساز و سازوکارهای حل اختلاف تخصصی، می کوشد میان دو هدف ظاهراً متعارض جمع کند: از یک سو تضمین کارآمدی مبارزه با دوپینگ و جلوگیری از فرار متخلفان، و از سوی دیگر حفظ استانداردهای دادرسی عادلانه برای اشخاصی که با محرومیت های شدید ورزشی و اقتصادی مواجه اند. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی و تطبیقی، فرآیند دادرسی در پرونده های دوپینگ را از مرحله گردآوری ادله و مدیریت نتایج تا رسیدگی بدوی، تجدیدنظر و داوری نهایی بررسی می کند و نشان می دهد تضمین های دادرسی عادلانه در این حوزه، در عین شباهت با عدالت قضایی، ویژگی های خاص خود را دارد؛ از جمله ماهیت «انضباطی» اما اثرگذار بر حقوق بنیادین، نقش اصل مسئولیت عینی، جایگاه ادله علمی، و ضرورت توازن میان محرمانگی، سرعت، تخصص و حق دفاع. در نهایت، مقاله پیشنهاد می کند تقویت استقلال نهادی، استانداردهای بیشتر در حق دسترسی به پرونده، کیفیت کارشناسی آزمایشگاهی، و شفافیت در استدلال رأی، می تواند هم مشروعیت تصمیم ها را افزایش دهد و هم اثربخشی نظام ضد دوپینگ را حفظ کند.

**واژگان کلیدی:** دوپینگ، دادرسی ورزشی، دادرسی عادلانه، دیوان داوری ورزش، مدیریت نتایج، حق دفاع، اصل مسئولیت عینی



## • مقدمه

دوپینگ برای ورزشکار، صرفاً یک تخلف مقرراتی نیست که با تذکر یا جریمه‌ای محدود پایان یابد. محرومیت‌های چندساله، سلب نتایج، بازپس‌گیری جوایز، آسیب به قراردادهای حرفه‌ای، و گاه برچسب اجتماعی قلب، پیامدهایی هستند که می‌توانند مسیر زندگی حرفه‌ای و حتی شخصی ورزشکار را دگرگون کنند. به همین علت، «چگونگی» رسیدگی به پرونده‌های دوپینگ از منظر حقوقی یک محور تعیین‌کننده است. اگر نظام دادرسی ضد دوپینگ از استانداردهای انصاف فاصله بگیرد، تصمیم‌ها ولو درست، مشروعیت خود را از دست می‌دهند و بی‌اعتمادی و مقاومت پنهان در جامعه ورزش شکل می‌گیرد. اگر هم رسیدگی آن‌قدر پیچیده و کند شود که اجرای مؤثر قواعد را مختل کند، هدف اصلی مبارزه با دوپینگ تضعیف خواهد شد. در سال‌های اخیر، هم‌زمان با تکامل قواعد بین‌المللی و تخصصی شدن آزمایش‌ها و روش‌های کشف، بحث درباره تضمین‌های دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های دوپینگ پررنگ‌تر شده است. پرسش‌ها متنوع‌اند: آیا ورزشکار واقعاً از جزئیات پرونده و ادله علمی علیه خود مطلع می‌شود. آیا فرصت کافی برای پاسخ و ارائه دفاعیات دارد. آیا مرجع رسیدگی مستقل و بی‌طرف است. استاندارد اثبات چگونه تعریف می‌شود و نسبت آن با اصل برائت چیست. و مهم‌تر از همه، چگونه می‌توان در نظامی که بر اصل مسئولیت عینی تکیه دارد، عدالت فردی را نیز حفظ کرد.

این مقاله می‌کوشد تصویری منسجم از فرآیند دادرسی دوپینگ ارائه دهد و سپس، تضمین‌هایی را که برای عادلانه شدن این فرآیند ضروری است، در قالب معیارهای عملی بررسی کند. هدف آن ارائه یک تحلیل کاربردی است که هم برای پژوهش‌های حقوق ورزشی مفید باشد و هم برای طراحان آیین‌نامه‌ها و وکلای ورزشی و مدیران فدراسیون‌ها.

## • بیان مسئله

مسئله اصلی این است که پرونده‌های دوپینگ در نقطه تلاقی سه حوزه قرار دارند: علم و آزمایشگاه، انتظامات و سیاست‌گذاری ورزشی، و حقوق بنیادین اشخاص. این تلاقی، تنش‌های ساختاری ایجاد می‌کند. از سویی، نظام ضد دوپینگ نیازمند سازوکاری سریع، یکنواخت و بازدارنده است؛ زیرا رقابت‌های ورزشی تقویم مشخصی دارند و تأخیر در تصمیم‌گیری می‌تواند به بی‌عدالتی نسبت به رقبا، تداخل با



نتایج مسابقات و فرسایش اعتماد عمومی منجر شود. از سوی دیگر، هرچه فشار برای سرعت و بازدارندگی بیشتر شود، خطر کاهش دقت، محدود شدن حق دفاع و شکل‌گیری «پیش‌فرض تقصیر» افزایش می‌یابد.

مسئله دوم به ماهیت مجازات‌ها و شدت آثار آنها مربوط است. اگرچه غالباً گفته می‌شود رسیدگی دوپینگ «انضباطی» است، اما پیامدهای آن در بسیاری موارد شبیه یا حتی شدیدتر از برخی ضمانت اجرای شبه کیفری است. این امر توقع جامعه حقوقی را نسبت به رعایت استانداردهای دادرسی عادلانه بالا می‌برد. در چنین وضعی، هر نقص در اطلاع‌رسانی، دسترسی به پرونده، امکان استماع شهود، یا استقلال مرجع تصمیم‌گیر، می‌تواند از حیث مشروعیت تصمیم و قابلیت اجرای آن بحران ایجاد کند.

مسئله سوم، اصل مسئولیت عینی است که در نظام ضد دوپینگ نقشی محوری دارد. وجود ماده ممنوعه یا روش ممنوعه غالباً به عنوان «نقض» تلقی می‌شود، حتی اگر ورزشکار ادعا کند قصد یا آگاهی نداشته است. این ویژگی کارآمدی مبارزه با دوپینگ را افزایش می‌دهد، اما در سطح عدالت فردی پرسش‌های جدی می‌سازد: چگونه می‌توان ورزشکار بی‌احتیاط یا بی‌اطلاع را از ورزشکار متقلب آگاه تفکیک کرد. استاندارد کاهش مجازات چیست. و دادرسی عادلانه چگونه باید طراحی شود تا امکان اثبات فقدان تقصیر یا نبود تقصیر قابل توجه فراهم شود.

بنابراین مسئله محوری مقاله این است که فرآیند دادرسی دوپینگ چگونه باید تنظیم و اجرا شود تا هم کارآمدی مبارزه با دوپینگ حفظ گردد و هم تضمین‌های دادرسی عادلانه، به‌صورت واقعی و نه صرفاً صوری، رعایت شود.

## • مرور ادبیات

ادبیات پژوهش در حوزه دوپینگ، دو مسیر عمده را دنبال کرده است. مسیر نخست بر مبانی اخلاقی و سیاست‌گذاری تمرکز دارد و دوپینگ را تهدیدی علیه سلامت، رقابت منصفانه و ارزش‌های ورزش می‌داند. در این رویکرد، بحث حقوقی عمدتاً در خدمت تقویت بازدارندگی قرار می‌گیرد و دغدغه اصلی آن است که نظام ضد دوپینگ چگونه می‌تواند با روش‌های پیچیده تقلب مقابله کند.



مسیر دوم، با نگاه حقوقی و نهادی، به فرآیند رسیدگی و عدالت رویه‌ای می‌پردازد. این ادبیات، از یک سو به ساختار دادرسی ورزشی، نقش داوری و جایگاه دیوان داوری ورزش پرداخته و از سوی دیگر، مسئله سازگاری رسیدگی‌های ورزشی با استانداردهای دادرسی عادلانه را مورد واکاوی قرار داده است. یکی از محورهای کلیدی این ادبیات، تحلیل پرونده‌های شاخص و رویه‌های شکل گرفته در داوری‌های ورزشی است که در آنها به تناسب مجازات، کیفیت ادله، و حق دفاع پرداخته شده است. همچنین، برخی پژوهش‌ها به رابطه نظام داوری ورزشی با معیارهای حقوق بشر، به ویژه حق محاکمه منصفانه و استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، توجه نشان داده‌اند و نشان داده‌اند که حتی در چارچوب داوری خصوصی، انتظار رعایت حداقلی از تضمین‌های دادرسی وجود دارد.

در ادبیات فارسی نیز گرایش‌های مشابه دیده می‌شود، با این تفاوت که بخشی از آثار، هم‌زمان به چالش‌های تطبیق قواعد بین‌المللی با نظام حقوقی داخلی و ساختارهای مدیریتی ورزش در ایران پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی که بر رویه دیوان داوری ورزش تمرکز کرده‌اند، عموماً به این نتیجه رسیده‌اند که اصل مسئولیت عینی و استانداردهای اثبات، ستون فقرات تصمیم‌گیری در پرونده‌های دوپینگ هستند و از همین نقطه باید درباره عدالت رویه‌ای بحث کرد. در کنار آن، برخی نوشته‌ها با مطالعه تطبیقی، نقش دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشری و نسبت آنها با داوری ورزشی را بررسی کرده و اهمیت تضمین‌های استقلال، بی‌طرفی و حق استماع را برجسته ساخته‌اند.

با وجود این پیشینه، خلأیی که همچنان احساس می‌شود، ارائه یک تصویر مرحله‌به‌مرحله از فرآیند دادرسی دوپینگ و پیوند دادن هر مرحله با تضمین‌های دادرسی عادلانه است؛ به گونه‌ای که روشن شود در عمل، کدام نقطه‌ها بیشترین ریسک نقض انصاف را دارند و چه اصلاحاتی می‌تواند هم اثربخشی و هم مشروعیت را تقویت کند. این مقاله دقیقاً بر همین پیوند تمرکز دارد.

### • روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی و در عین حال تطبیقی است. ابتدا ساختار کلی رسیدگی به پرونده‌های دوپینگ در نظام بین‌المللی توضیح داده می‌شود و سپس معیارهای دادرسی عادلانه به عنوان چارچوب ارزیابی به کار می‌رود. در بخش تحلیلی، تلاش می‌شود نقاط اصطکاک میان کارآمدی انتظامی و



حقوق دفاعی شناسایی شود و در بخش تطبیقی، از تجربه رویه‌های داوری ورزشی و برخی ملاحظات حقوق بشری برای سنجش کیفیت تضمین‌ها استفاده می‌گردد. داده‌های پژوهش عمدتاً از متون حقوقی معتبر، استانداردهای بین‌المللی ضد دوپینگ، آثار علمی فارسی و انگلیسی، و نمونه‌هایی از آرای شاخص داوری ورزشی و تحلیل‌های حقوقی مرتبط استخراج شده است. هدف، ارائه نتیجه‌گیری‌های کاربردی است که بتواند به طراحی بهتر قواعد رسیدگی و بهبود رویه‌های موجود کمک کند.

### بخش اول: چارچوب مفهومی و حقوقی دوپینگ و رسیدگی‌های ضد دوپینگ

دوپینگ در نظام حقوق ورزشی امروز، یک مفهوم قراردادی و مقرراتی است که بر مبنای اسناد فراگیر ضد دوپینگ تعریف می‌شود. از منظر حقوقی، «نقض مقررات ضد دوپینگ» معمولاً مجموعه‌ای از رفتارها را در بر می‌گیرد؛ وجود ماده ممنوعه در نمونه، استفاده یا اقدام به استفاده از ماده یا روش ممنوعه، سر باز زدن از نمونه‌گیری، نقض الزامات مکان‌یابی در ورزشکاران سطح بالا، دستکاری یا تلاش برای دستکاری فرآیند کنترل، مالکیت یا قاچاق مواد ممنوعه، و هم‌دستی یا معاونت در نقض‌ها. نکته مهم آن است که برخی از این نقض‌ها ماهیت رفتاری دارند و اثبات آنها به دلایل بیرونی، شهادت یا اسناد وابسته است؛ اما برخی دیگر ماهیت «علمی» دارند و به نتیجه آزمایشگاه یا تفسیر داده‌های بیولوژیک مرتبط‌اند. همین تفاوت، نوع دادرسی و ابزارهای دفاع را نیز متأثر می‌کند.

در پرونده‌هایی که محور آنها نتیجه آزمایشگاهی است، دفاعیات ورزشکار غالباً به سه حوزه کشیده می‌شود: اعتبار فرآیند نمونه‌گیری، اعتبار روش‌های آزمایشگاهی و زنجیره نگهداری، و نهایتاً توضیح حقوقی و پزشکی درباره چگونگی ورود ماده و میزان تقصیر یا فقدان آن. بنابراین، دادرسی ضد دوپینگ از همان ابتدا نیازمند سازوکاری است که بتواند ادله علمی را به زبان حقوقی قابل فهم تبدیل کند و در عین حال، فرصت کافی برای نقد علمی فراهم آورد.

از منظر نهادی، رسیدگی‌ها معمولاً در چند سطح رخ می‌دهد. نخست، سطح مدیریت نتایج که توسط سازمان ضد دوپینگ یا فدراسیون مربوط انجام می‌شود و شامل اعلان نتیجه نامطلوب، بررسی استثنایا یا مجوزهای درمانی، تصمیم درباره تعلیق موقت، و تنظیم کیفرخواست انضباطی است. سپس، سطح رسیدگی ماهوی بدوی در مرجع انضباطی یا هیئت رسیدگی که باید مستقل و بی‌طرف باشد و امکان



استماع دفاعیات را فراهم کند. پس از آن، امکان تجدیدنظر یا ارجاع به داوری نهایی، غالباً نزد دیوان داوری ورزش، مطرح است.

درک این ساختار نشان می‌دهد که «دادرسی» در دوپینگ تنها لحظه صدور رأی نیست. از همان اعلان اولیه تا نحوه ارائه پرونده و دسترسی به داده‌ها، مجموعه‌ای از تصمیم‌ها و اقدامات می‌تواند مسیر پرونده را به نفع یا زیان ورزشکار تغییر دهد. بنابراین تضمین‌های دادرسی عادلانه باید در همه این مراحل پیش‌بینی و اجرا شود.

## بخش دوم: مراحل فرآیند دادرسی در پرونده‌های دوپینگ از مدیریت نتایج تا رأی نهایی

مرحله آغازین معمولاً با ثبت یک نتیجه نامطلوب یا کشف یک رفتار مشکوک شروع می‌شود. در نتیجه نامطلوب آزمایشگاهی، سازمان مربوط باید ابتدا بررسی کند که آیا ورزشکار دارای مجوز معتبر درمانی بوده است یا خیر و آیا خطای آشکار اداری یا آزمایشگاهی وجود دارد. سپس به ورزشکار اطلاع داده می‌شود و او حق دارد درباره درخواست آزمایش نمونه دوم، ارائه توضیح، و انتخاب نماینده حقوقی تصمیم بگیرد. کیفیت این اطلاع‌رسانی، از جهت زمان‌بندی و شفافیت، تعیین‌کننده است. اطلاع‌رسانی مبهم یا دیر هنگام می‌تواند عملاً حق دفاع را محدود کند، زیرا برخی ادله مانند مکمل مصرفی یا سوابق پزشکی، با گذر زمان از دست می‌رود یا تغییر می‌کند.

یکی از تصمیم‌های حساس در این مرحله، تعلیق موقت است. تعلیق موقت در ظاهر اقدامی برای حفاظت از سلامت رقابت و جلوگیری از حضور ورزشکار مشکوک در مسابقات است، اما در عمل می‌تواند اثر مجازات را پیشاپیش تحمیل کند؛ خصوصاً اگر روند رسیدگی طولانی شود یا در نهایت ورزشکار تبرئه گردد. از این رو تعلیق موقت باید بر معیارهای روشن و قابل اعتراض استوار باشد و ورزشکار امکان دفاع فوری داشته باشد.

مرحله بعد، تشکیل پرونده و ارجاع به مرجع رسیدگی است. مرجع بدوی باید به ورزشکار امکان دسترسی کامل و قابل فهم به پرونده بدهد؛ شامل گزارش‌های آزمایشگاهی، فرم‌های کنترل دوپینگ، سوابق



زنجیره نگهداری، و هر سندی که علیه او استفاده می‌شود. همچنین، باید امکان ارائه ادله جدید، درخواست کارشناسی مستقل، و استماع شهود فراهم باشد. در بسیاری از پرونده‌ها، اختلاف نه بر سر وجود ماده، بلکه بر سر منشأ آن، میزان تقصیر، یا امکان کاهش مجازات است. این اختلاف‌ها بدون دسترسی به داده‌ها و امکان کارشناسی واقعی حل نمی‌شود.

پس از رأی بدوی، مرحله تجدیدنظر اهمیت حیاتی دارد. در نظام ضد دوپینگ، تجدیدنظر غالباً نه یک مرور شکلی، بلکه یک رسیدگی ماهوی مجدد است. این ویژگی، فرصت جبران خطاهای مرحله نخست را افزایش می‌دهد، اما هم‌زمان باید از تبدیل شدن تجدیدنظر به ابزار تشدید بی‌ضابطه مجازات جلوگیری شود. در نهایت، نقش داوری نهایی به‌عنوان مرجع تخصصی یکنواخت‌کننده رویه‌ها برجسته می‌شود. در این مرحله، اهمیت استدلال رأی، تناسب مجازات، و رعایت کامل حقوق دفاعی بیش از پیش نمایان است؛ زیرا رأی نهایی غالباً اثر بین‌المللی دارد و مسیر شغلی ورزشکار را تعیین می‌کند.

## بخش سوم: جایگاه تضمین‌های دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های ورزشی و معیارهای سنجش آن

دادرسی عادلانه مفهومی است که در نظام‌های حقوقی مختلف، بر پایه چند اصل مشترک بنا می‌شود: حق دسترسی به مرجع مستقل و بی‌طرف، حق اطلاع از اتهام و ادله، حق دفاع مؤثر و داشتن نماینده، امکان ارائه ادله و استماع منصفانه، و حق برخورداری از تصمیم مستدل در مدت زمان معقول. در رسیدگی‌های ورزشی، این اصول باید با واقعیت‌های خاص ورزش سازگار شود. ورزش به سرعت تصمیم‌گیری نیاز دارد، اما سرعت نباید جایگزین انصاف شود. ورزش به تخصص علمی نیاز دارد، اما تخصص نباید بهانه‌ای برای پنهان کردن داده‌ها یا انحصار کارشناسی گردد. ورزش نهادهای خصوصی دارد، اما خصوصی بودن نباید استقلال و بی‌طرفی را تضعیف کند.

برای سنجش دادرسی عادلانه در پرونده‌های دوپینگ، می‌توان معیارهای عملی تعریف کرد. یکی، کیفیت اطلاع‌رسانی اولیه و امکان واکنش سریع است. دیگری، دسترسی به پرونده و داده‌ها، به‌ویژه داده‌های فنی و آزمایشگاهی است. معیار سوم، فرصت واقعی برای ارائه دفاعیات است؛ نه صرفاً امکان ارسال لایحه، بلکه امکان ارائه دفاع علمی، درخواست کارشناس، و پرسش از کارشناسان طرف مقابل. معیار



چهارم، استقلال مرجع رسیدگی است؛ یعنی سازوکار انتخاب اعضا، تضاد منافع، و فاصله نهادی از مقام تعقیب کننده. معیار پنجم، شفافیت و استدلال رأی است؛ به گونه ای که ورزشکار و جامعه ورزشی بفهمند چرا نتیجه گرفته شده و چگونه تناسب مجازات سنجیده شده است. معیار ششم نیز مدت زمان رسیدگی است؛ زیرا طولانی شدن بیش از حد، می تواند دادرسی را به مجازات عملی تبدیل کند. در کنار این معیارها، باید به یک ویژگی خاص توجه کرد: رسیدگی دوپینگ اغلب با مفهوم «عدالت ورزشی» پیوند می خورد، یعنی حفاظت از حقوق رقبا و اعتبار مسابقات. بنابراین عدالت در اینجا تنها عدالت برای متهم نیست؛ بلکه عدالت برای سایر ورزشکاران نیز مطرح است. همین امر ضرورت توازن دقیق را نشان می دهد

### بخش چهارم: حق اطلاع، دسترسی به پرونده و شفافیت داده های علمی

در پرونده های دوپینگ، پرونده حقوقی بدون پرونده علمی ناقص است. گزارش آزمایشگاه، داده های خام، روش های کنترل کیفیت، و سوابق زنجیره نگهداری، همگی در شکل دهی به نتیجه نقش دارند. اگر ورزشکار صرفاً یک جمع بندی کوتاه دریافت کند، امکان دفاع علمی از بین می رود و دادرسی به یک روند یک طرفه تبدیل می شود. حق دسترسی به پرونده باید به معنای دسترسی واقعی و قابل استفاده باشد؛ یعنی ارائه اسناد در قالبی که برای کارشناس مستقل قابل تحلیل باشد و زمان کافی برای بررسی فراهم کند.

در عمل، چالش های رایجی رخ می دهد. گاهی ورزشکار یا وکیل او با اصطلاحات تخصصی مواجه است و بدون کمک کارشناس نمی تواند معنای یافته ها را درک کند. گاهی هم هزینه کارشناسی مستقل بسیار بالاست و ورزشکار توان مالی کافی ندارد. از این رو، یکی از ابعاد عدالت، دسترسی برابر به ابزار دفاع است. اگر نظام رسیدگی فقط به کسانی امکان دفاع مؤثر بدهد که توان مالی بالایی دارند، در حقیقت «برابری سلاح ها» مخدوش می شود.

شفافیت همچنین به مسئله محرمانگی نیز گره خورده است. اطلاعات پزشکی و داده های زیستی ورزشکار باید محفوظ بماند، اما محرمانگی نباید پوششی برای پنهان کاری یا محدود کردن دسترسی به پرونده باشد. راه حل عملی، تنظیم دقیق سطح دسترسی است: انتشار عمومی حداقلی برای حفظ اعتبار



سیستم، و دسترسی کامل برای طرفین و کارشناسان تحت تعهد محرمانگی. این سازوکار هم اعتماد عمومی را تقویت می‌کند و هم حق دفاع را حفظ می‌نماید.

### بخش پنجم: حق دفاع، حق استماع و برابری سلاح‌ها در رسیدگی‌های دوپینگ

حق دفاع در پرونده‌های دوپینگ صرفاً به معنای امکان اعتراض نیست. دفاع مؤثر یعنی ورزشکار بتواند از ابتدا تا پایان، روایت خود را ارائه کند، ادله بیاورد، ادله طرف مقابل را نقد کند و در محیطی بی‌طرف شنیده شود. در پرونده‌های دوپینگ، دفاعیات معمولاً پیچیده‌اند. ورزشکار ممکن است ادعا کند ماده ممنوعه از طریق آلودگی مکمل وارد بدنش شده است، یا دارویی را با نسخه پزشکی مصرف کرده اما ثبت اداری آن ناقص بوده است، یا خطای زنجیره نگهداری رخ داده است. هر یک از این ادعاها نیازمند رسیدگی دقیق و امکان ارائه شاهد، نسخه، رسید خرید، آزمایش مکمل، یا شهادت پزشک است.

نکته حساس، توازن منابع است. سازمان‌های ضد دوپینگ معمولاً دسترسی به آزمایشگاه‌های معتبر، متخصصان، و تجربه رویه‌ای دارند. ورزشکار، به‌ویژه در سطوح پایین‌تر یا در کشورهایی با حمایت حقوقی محدود، ممکن است تنها باشد. دادرسی عادلانه مستلزم آن است که مرجع رسیدگی، این عدم توازن را در مدیریت جلسه و ارزیابی ادله لحاظ کند. برای نمونه، باید به ورزشکار فرصت کافی برای تهیه کارشناس داده شود و از محدود کردن بی‌مورد زمان دفاع یا رد درخواست‌های کارشناسی بدون دلیل روشن پرهیز گردد.

حق استماع نیز اهمیت دارد. برخی نظام‌ها عمدتاً مبتنی بر رسیدگی کتبی‌اند، اما در پرونده‌های پیچیده دوپینگ، جلسه حضوری می‌تواند درک دقیق‌تری از وقایع فراهم آورد؛ خصوصاً در مواردی که انگیزه، قصد، یا میزان تقصیر مورد اختلاف است. جلسه حضوری البته باید با اصول انصاف همراه باشد: امکان پرسش از کارشناس آزمایشگاه، امکان طرح پرسش متقابل، و پرهیز از فضای اتهامی و تحقیرآمیز. رسیدگی‌ای که ورزشکار را از ابتدا «متقلب» فرض کند، ولو در ظاهر منظم، در باطن عادلانه نیست.



## بخش ششم: استانداردهای اثبات، بار اثبات و نقش اصل مسئولیت عینی

یکی از تفاوت‌های بنیادین رسیدگی دوپینگ با دادرسی کیفری کلاسیک، استاندارد اثبات و بار اثبات است. در بسیاری از نظام‌های ضد دوپینگ، وقتی وجود ماده ممنوعه یا نتیجه مثبت ثابت شد، اصل بر وقوع نقض است و ورزشکار باید برای کاهش مجازات یا رفع مسئولیت، نبود تقصیر یا نبود تقصیر قابل توجه را نشان دهد. این سازوکار بر اصل مسئولیت عینی استوار است و هدف آن جلوگیری از توجیه‌های ساده و فرار از پاسخگویی است.

در عین حال، عدالت رویه‌ای اقتضا می‌کند که این نظام بار اثبات، با ضمانت‌هایی همراه باشد. نخست اینکه اثبات اولیه باید بر یک فرآیند علمی معتبر، کنترل کیفیت دقیق و رعایت استانداردهای نمونه‌گیری و آزمایشگاه مبتنی باشد. اگر این پایه سست باشد، انتقال بار اثبات به ورزشکار ناعادلانه می‌شود. دوم اینکه معیارهای کاهش مجازات باید روشن و قابل پیش‌بینی باشند. ورزشکار باید بداند برای اثبات نبود تقصیر یا نبود تقصیر قابل توجه، دقیقاً چه نوع ادله‌ای لازم است و مرجع رسیدگی چگونه آن را ارزیابی می‌کند. سوم اینکه مرجع رسیدگی باید از ذهنیت قالبی پرهیز کند. اصل مسئولیت عینی به معنای بی‌توجهی به فردیت پرونده نیست؛ بلکه به این معناست که ورود ماده ممنوعه به بدن ورزشکار، مسئولیت اولیه ایجاد می‌کند، اما در مرحله تعیین پیامد و میزان محرومیت، باید عدالت فردی، درجه تقصیر، و شرایط خاص پرونده دیده شود.

یکی از عرصه‌های جدی اختلاف، پرونده‌های آلودگی مکمل است. در این موارد، ورزشکار غالباً ادعا می‌کند ماده ممنوعه روی برچسب محصول ذکر نشده و آلودگی ناخواسته رخ داده است. دادرسی عادلانه در اینجا نیازمند معیارهای دقیق درباره مراقبت متعارف ورزشکار است. اگر از ورزشکار انتظار مراقبتی غیرواقع‌بینانه و فراتر از توان عملی او داشته باشیم، نتیجه آن مجازات افراد بی‌گناه یا کم‌تقصیر خواهد بود. اگر هم استاندارد مراقبت بسیار سهل باشد، راه برای سوءاستفاده باز می‌شود. بنابراین نقش مرجع رسیدگی در ایجاد توازن، کلیدی است.



## بخش هفتم: استقلال و بی طرفی مراجع رسیدگی و مسئله تعارض منافع

استقلال و بی طرفی، ستون اصلی دادرسی عادلانه است. در رسیدگی‌های دوپینگ، این مسئله گاهی به صورت ساختاری چالش برانگیز می‌شود؛ زیرا نهادی که تعقیب می‌کند، گاه با نهادی که رسیدگی می‌کند، پیوندهای سازمانی دارد یا اعضای هیئت رسیدگی به نوعی در ساختار فدراسیون یا سازمان ضد دوپینگ حضور داشته‌اند. حتی اگر در عمل بی طرف باشند، ظاهر امر می‌تواند اعتماد ورزشکار و جامعه ورزش را تضعیف کند.

برای کاهش این ریسک، چند راهکار عملی قابل طرح است. یکی، تفکیک نهادی بین مقام تعقیب و مرجع تصمیم‌گیر است، به نحوی که اعضای هیئت رسیدگی تحت نفوذ اداری یا مالی مقام تعقیب نباشند. دیگری، قواعد روشن درباره تضاد منافع و الزام به افشای روابط حرفه‌ای یا مالی است. همچنین، شیوه انتخاب داوران یا اعضا باید شفاف و مبتنی بر معیارهای تخصصی باشد، نه صرفاً بر پایه انتصاب‌های مدیریتی.

در سطح داوری بین‌المللی نیز بحث استقلال و سازوکارهای انتخاب داوران همواره مطرح بوده است. اهمیت این موضوع در پرونده‌های دوپینگ دوچندان است، زیرا تصمیم‌ها آثار جهانی دارند و می‌توانند به عنوان معیار رویه‌ای برای پرونده‌های بعدی عمل کنند. هرچه ساختار انتخاب و نظارت بر داوران شفاف‌تر باشد، احتمال پذیرش اجتماعی و حقوقی آراء بیشتر می‌شود.

## بخش هشتم: تناسب مجازات، استدلال رأی و کیفیت تضمین‌های پسادادرسی

حتی اگر فرآیند رسیدگی منصفانه باشد، نتیجه‌ای که نامتناسب یا فاقد استدلال روشن است، می‌تواند عدالت را مخدوش کند. در پرونده‌های دوپینگ، تناسب مجازات اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا محرومیت ورزشی مستقیم بر حق اشتغال حرفه‌ای و درآمد ورزشکار اثر می‌گذارد. بنابراین تعیین طول محرومیت باید با توجه به ماهیت ماده، میزان تقصیر، سابقه، همکاری یا عدم همکاری، و شرایط فردی سنجیده شود. تصمیمی که صرفاً به ذکر مواد آیین‌نامه بسنده کند و از تحلیل شرایط پرونده بگذرد، از منظر دادرسی عادلانه ناقص است.



استدلال رأی چند کارکرد دارد. نخست، به ورزشکار نشان می‌دهد که دفاع او شنیده شده و چرا پذیرفته یا رد شده است. دوم، امکان نظارت تجدیدنظر و اصلاح خطا را فراهم می‌کند. سوم، به جامعه ورزش پیام می‌دهد که تصمیم‌ها بر مبنای قانون و منطق است، نه سلیقه یا فشار رسانه‌ای. چهارم، به یکنواختی رویه کمک می‌کند و از صدور آرای متناقض در پرونده‌های مشابه می‌کاهد.

تضمین‌های پسادادرسی نیز مهم‌اند. حق تجدیدنظر واقعی، دسترسی به مرجع بالاتر، و امکان توقف یا تعدیل تصمیم در موارد اضطراری، همگی بخشی از عدالت هستند. همچنین، نحوه اطلاع‌رسانی عمومی درباره پرونده باید منصفانه باشد. انتشار زودهنگام اطلاعات ناقص یا اعلام رسانه‌ای قبل از رسیدگی نهایی، می‌تواند حیثیت ورزشکار را نابود کند؛ حتی اگر بعداً تبریئه شود. بنابراین، سیاست‌های ارتباطی باید میان شفافیت و حفاظت از حیثیت و حریم خصوصی توازن برقرار کند.

### بخش نهم: چالش‌های اجرایی و راهکارهای پیشنهادی برای تقویت دادرسی عادلانه در پرونده‌های دوپینگ

در سطح اجرا، چند چالش تکرارشونده دیده می‌شود. نخست، نابرابری دسترسی به وکیل و کارشناس است. در بسیاری موارد، ورزشکاران جوان یا کم‌درآمد امکان تأمین هزینه دفاع فنی را ندارند. راهکار آن می‌تواند ایجاد سازوکارهای حمایتی باشد؛ مانند صندوق‌های کمک حقوقی یا فهرست کارشناسان مستقل با تعرفه‌های کنترل‌شده. چنین سازوکاری به معنای حمایت از متخلف نیست، بلکه تضمین می‌کند حقیقت بهتر کشف شود.

چالش دوم، کیفیت مدیریت پرونده و زمان‌بندی است. برخی پرونده‌ها به دلیل نقص اداری یا هماهنگی ضعیف میان نهادها طولانی می‌شوند. راهکار، استانداردسازی گردش کار، تعیین مهلت‌های روشن، و پاسخگویی نهادی است. به‌ویژه در تصمیم‌های تعلیق موقت، باید رسیدگی سریع و امکان اعتراض فوری پیش‌بینی شود تا تعلیق به مجازات پیشاپیش تبدیل نشود.

چالش سوم، ارتباط علم و حقوق است. گاهی اختلاف‌ها نه بر سر قانون، بلکه بر سر تفسیر داده‌های علمی است. راهکار، افزایش آموزش تخصصی اعضای هیئت رسیدگی، استفاده از کارشناسان مستقل



بی‌طرف، و الزام به ارائه داده‌های قابل بررسی است. همچنین، تدوین دستورالعمل‌های روشن درباره میزان و نوع داده‌هایی که باید در اختیار دفاع قرار گیرد، می‌تواند از مناقشه‌های فرسایشی جلوگیری کند.

چالش چهارم، استقلال نهادی است. اگرچه ایجاد استقلال کامل در همه ساختارها دشوار است، اما می‌توان با تفکیک نقش‌ها، قواعد تضاد منافع، و شفافیت در انتصاب‌ها، اعتماد را افزایش داد. حتی گام‌های کوچک مانند انتشار معیارهای انتخاب اعضا و تدوین منشور اخلاقی برای رسیدگی‌کنندگان، اثر قابل توجهی دارد.

چالش پنجم، تناسب و فردی‌سازی مجازات است. راهکار، تقویت بخش استدلال رأی و الزام به پاسخگویی نسبت به دفاعیات مربوط به تقصیر، آلودگی مکمل، یا شرایط پزشکی است. همچنین، توسعه رویه‌های راهنما می‌تواند به یکنواختی کمک کند، بدون آنکه اختیار لازم برای توجه به شرایط خاص پرونده از بین برود.

## نتیجه گیری

پرونده‌های دوپینگ در ورزش، به دلیل پیوند تنگاتنگ با علم، اقتصاد ورزش و حیثیت حرفه‌ای، از حساس‌ترین حوزه‌های دادرسی ورزشی هستند. کارآمدی نظام ضد دوپینگ بدون دادرسی منصفانه پایدار نمی‌ماند، زیرا مشروعیت اجتماعی و حقوقی تصمیم‌ها، شرط اجرای مؤثر آنهاست. از سوی دیگر، دادرسی عادلانه در این حوزه تنها با تکرار اصول کلی تحقق نمی‌یابد؛ بلکه نیازمند طراحی دقیق سازوکارهایی است که در عمل حق اطلاع، دسترسی به پرونده، دفاع مؤثر، استقلال و بی‌طرفی، شفافیت داده‌ها، تناسب مجازات و رسیدگی در مدت معقول را تضمین کند.

این مقاله نشان داد که چالش‌های کلیدی در نقاطی رخ می‌دهد که فشار برای سرعت و بازدارندگی با ضرورت انصاف برخورد می‌کند. پاسخ این چالش‌ها نه در تضعیف مبارزه با دوپینگ است و نه در ایجاد پیچیدگی فلج‌کننده در رسیدگی، بلکه در ایجاد توازن هوشمندانه است. تقویت استقلال مراجع رسیدگی، دسترسی واقعی به داده‌های علمی، کاهش نابرابری منابع دفاعی، و افزایش کیفیت استدلال رأی، می‌تواند به نظامی منجر شود که هم متخلفان را به‌طور مؤثر پاسخگو می‌کند و هم از مجازات ناعادلانه



# نهمین همایش بنیاد علم و قانون یار

(ارمنستان - دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماقان) ۲۷ بهمن ۱۴۰۴



افراد کم‌تقصیر یا بی‌گناه جلوگیری می‌نماید. در نهایت، دادرسی عادلانه در دوپینگ نه یک مانع، بلکه سرمایه‌ای برای اعتماد عمومی و حفاظت از روح ورزش است.



## منتبع و مأخذ

### • منابع فارسی

- آقای نیا، حسین. حقوق ورزشی. تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- ابوالحسنی، رضا. بررسی فساد ورزشی با رویکردی به دوپینگ. تهران: انتشارات امجد، چاپ اول، ۱۴۰۴.
- دشاب، مهریار؛ صارمی، سپهر. «مسئولیت عینی ورزشکاران در قبال دوپینگ با تأکید بر رویه دیوان داوری ورزش». مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۴۱، شماره ۷۶، زمستان.
- ستایش پور، محمد؛ درویشی، پگاه. «مقابله با دوپینگ ورزشکاران زن در رویه دیوان داوری ورزش و دیوان اروپایی حقوق بشر». حقوق عمومی تطبیقی، دوره ۲، شماره ۲، ۱۴۰۴، صفحه‌های ۳۱ تا ۴۷.

### • منابع انگلیسی

*World Anti-Doping Agency. World Anti-Doping Code ۲۰۲۱. Montréal, Quebec: World Anti-Doping Agency, ۲۰۲۱.*

*World Anti-Doping Agency. Guidelines for the ۲۰۲۱ International Standard for Results Management. Montréal, Quebec: World Anti-Doping Agency, ۲۰۲۱.*

*United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. International Convention against Doping in Sport. Paris: UNESCO, ۱۹ October ۲۰۰۵.*

*Council of Europe. Anti-Doping Convention (ETS No. ۱۳۵). Strasbourg: Council of Europe, ۱۶ November ۱۹۸۹.*



*European Court of Human Rights. Mutu and Pechstein v. Switzerland, Applications nos. ۴۰۵۷۵/۱۰ and ۶۷۴۷۴/۱۰, Judgment (Section), ۲ October ۲۰۱۸.*

*Court of Arbitration for Sport. Mariano Puerta v. International Tennis Federation, CAS ۲۰۰۶/A/۱۰۲۵, Arbitral Award, ۱۲ July ۲۰۰۶.*

*David, Paul. A Guide to the World Anti-Doping Code: The Fight for the Spirit of Sport. Second Edition. Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۱۳.*



# نهمین همایش علمی مطالعات پژوهشی حقوق ورزشی در عصر نوین



اصفهان، شهرستان دهاقان  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان  
سالن اجتماعات شهید بهشتی  
۱۴۰۴/۱۱/۲۷

دبیر اجرایی همایش: محمدرضا مرادمر  
۰۹۱۲۰۳۶۱۸۰۸

## محورهای پذیرش مقاله:

۱. موضوعات مرتبط با قوانین و حقوق ورزشی
۲. مطالعات فقهی و اسلامی در راستای علوم ورزشی
۳. جدیدترین یافته های علمی در زمینه های مختلف ورزشی
۴. اصول حاکم بر مقررات، احکام و قوانین ورزشی در نظام حقوقی

ارسال فایل ورد مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل [Ghanonyar@yahoo.com](mailto:Ghanonyar@yahoo.com)

یا ارسال از طریق ایتا، واتس آپ به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



دبیرخانه مرکزی همایش ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ واحد صدور گواهی نامه ۸۴ و ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

سایت اطلاع رسانی همایش های موسسه قانون یار [www.Ghanonyar.ir](http://www.Ghanonyar.ir)